آمریکا و چین به بن‌بست ایدئولوژیک رسیده‌اند

جنگ جهان‌بینی‌ها

سجاد عطازاده
مترجم

ناتان لواین، دستیار مدیر اندیشکده انجمن آسیایی- سازمانی که هدفش آشنا کردن مردم جهان با آسیاست- در مقاله «جنگ جهان‌بینی‌ها؛ آمریکا و چین به بن‌بست ایدئولوژیک رسیده‌اند» که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده، به طرح این ایده پرداخته است که دلیل اصلی تضاد موجود بین چین و ایالات‌متحده آمریکا، اختلافات آنها در حوزه جهان‌بینی است. لواین بر این نظر است که سابقه تاریک ایالات‌متحده آمریکا در ترویج زورمندانه لیبرالیسم در نقاط مختلف جهان سبب شده چین ادعای آمریکا درباره رقابت مدیریت‌شده را نپذیرد و بر این باور باشد که ایالات‌متحده به‌دنبال سرنگونی حزب کمونیست است.

به‌نظر می‌رسد رهبران چین و ایالات‌متحده واقعا علاقه‌مند به تلاش برای تثبیت روابط خود هستند؛ روابطی که اکنون در دشوارترین وضعیت خود در ۵۰ سال گذشته به سر می‌برد. هر دو کشور بر این نکته واقفند که تنش بین آنها به‌حدی حاد شده که اکنون با خطر واقعی و فزاینده جنگ روبه‌رو هستند. در ماه‌های اخیر پکن و واشنگتن با ازسرگیری بازدیدهای منظم دیپلماتیک و ایجاد کانال‌های ارتباطی جدید در سطح بالا برای تجدید گفت‌وگو تلاش کرده‌اند. در ماه جولای جان کری نماینده ویژه رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده در امور اقلیمی پیشنهاد کرد که ملاقاتی بین شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین و جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات‌متحده همزمان با نشست رهبران سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه (اپک) در ماه نوامبر در سانفرانسیسکو ترتیب داده شود. چنین دیداری می‌تواند تنها فرصت مهم بایدن برای مستحکم کردن روابط پکن و واشنگتن پیش از آغاز فعالیت‌های تبلیغاتی مربوط به انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ باشد.

اما یک مساله اساسی مانع تحکیم این روابط می‌شود؛ این دو کشور فاقد یک روایت مقبول برای هر دوطرف در زمینه تعریف روابط خود هستند. رهبران ایالات‌متحده در تعاملات دیپلماتیک و اظهارات عمومی به‌طورمعمول تاکید می‌کنند که ایالات‌متحده و چین درگیر «رقابت» قدرت‌های بزرگ هستند. اساسا رویکرد دولت بایدن درقبال چین مبتنی بر ایده «رقابت راهبردی مدیریت‌شده» است؛ نظریه‌ای که هر دوطرف را ملزم می‌کند چشم‌انداز درگیر شدن در رقابت راهبردی پایدار و مداوم را برای بلندمدت بپذیرند. این راهبرد مستلزم آن است که هریک از طرفین درباره خطوط قرمز خود شفاف باشند تا از تبدیل شدن رقابت به درگیری جلوگیری و فضای لازم را برای همکاری نیز ایجاد کنند. اگر یک طرف حتی از پذیرش اینکه رقابت طولانی‌مدت یک وضعیت اجتناب‌ناپذیر و مشروع است امتناع کند، این وضعیت قادر به تداوم نخواهد بود.

اما رهبران چین اجازه نمی‌دهند که رقابت مقوم روابط آمریکا و چین باشد. همان‌طور که وانگ ایی، وزیر امور خارجه چین در سخنرانی سال گذشته خود در انجمن آسیایی بیان کرد پکن «رقابت به‌اصطلاح راهبردی» را به‌عنوان یک پویایی مبتنی‌بر «برد- باخت» می‌بیند که «ابهام فوق‌العاده‌ای» در روابط ایجاد می‌کند و پکن و واشنگتن را بیشتر به‌سمت رویارویی و درگیری سوق می‌دهد. چین در عوض از ایالات‌متحده می‌خواهد که متعهد شود روابط دوطرف را در قالب «احترام متقابل»، «همزیستی مسالمت‌آمیز» و همکاری «برد-برد» توصیف کند. هنگامی که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات‌متحده در ماه ژوئن در پکن با شی دیدار کرد، شی این درخواست را مطرح کرد که هیچ کدام از این دو کشور «برای شکل‌دادن به‌طرف مقابل تلاش نکند»؛ او همچنین اعلام کرد که «همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برد-برد» تنها «راه درست» روبه‌جلو است.

این اظهارات فقط دعوای معنایی صرف نیستند. چین مفهوم همزیستی را به‌دلیل نگرانی عمیق از معنای رقابت برای حزب کمونیست چین مطرح می‌کند، دیدگاهی که طرف آمریکایی آن را کاملا درک نمی‌کند. این قطع ارتباط عملا حتی برداشتن گام‌های ساده‌ای مانند برقراری ارتباطات موثر در بحران‌های نظامی و گفت‌وگو درباره کنترل تسلیحات هسته‌ای را مختل کرده است. اما حقیقت این است که تنش و بی‌اعتمادی کنونی بین آمریکا و چین را نمی‌توان به موضوع خاصی مانند تایوان یا فناوری تقلیل داد. این تنش‌ها همچنین نتیجه ضروری رقابت اجتناب‌ناپذیر بین این دو قدرت بزرگ نیستند. آنها از اختلافات عمیق موجود بین چین و ایالات‌متحده درباره مسائل مربوط به جهان‌بینی، ایدئولوژی و مشروعیت رژیم ناشی می‌شوند. این ایده ممکن است برای بسیاری در غرب تعجب‌آور باشد، زیرا آنها ترجیح می‌دهند درباره چین فقط از نظر اقتصادی و نظامی فکر کنند و اغلب پکن را متمرکز بر منافع شخصی ملی و نه ملاحظات ایدئولوژیک می‌بینند. نقش مفروضات ایدئولوژیک ناخودآگاه در رویکرد ایالات‌متحده به چین نیز به‌شدت دست‌کم گرفته شده اما این تفاوت‌ها خود را در مناقشه بر سر چگونگی توصیف رابطه دو کشور آشکار می‌کنند و باید به‌دقت مورد بررسی قرار گیرند تا مبادا این سوءادراک‌ها به درگیری آشکار تبدیل شوند.

یا برنده می‌شوید یا می‌میرید

وقتی رهبران ایالات‌متحده همتایان چینی خود را تحت‌فشار قرار می‌دهند تا رقابت مبنای مفهومی روابط این دو قدرت بزرگ باشد، برداشت خاصی از رقابت را در ذهن دارند؛ مفهومی که براساس آرمان‌های تصویرشده توسط لیبرالیسم دموکراتیک کلاسیک شکل گرفته است. در این بینش – که هسته اصلی سنت لیبرالی فلسفه سیاسی است- رقابت سیاسی مانند یک مسابقه ورزشی رقابتی است؛ مسابقه‌ای بین ایده‌ها که ممکن است با شور و اشتیاق فراوان به راه بیفتد اما در پایان می‌توان آن را به‌صورت صلح‌آمیز و حتی دوستانه، حل کرد. به‌علاوه هر دو رقیب می‌دانند که نتیجه حاصله نهایی نیست و بازنده حق بازگشت و رقابت مجدد را دارد. رقابت سیاسی اگر نگوییم یک بازی است اما حداقل می‌توان اظهار داشت که موضوع مرگ یا زندگی نیست. این ادراک از رقابت تفاوت بسیار زیادی با دیدگاه سیاسی شی و رهبری حزب کمونیست چین دارد. درحالی که حزب کمونیست چین مدرن سعی کرده جنبه‌هایی از میراث مائوتسه تونگ را با اصلاح و باز کردن اقتصاد پس از ۱۹۷۹ و از بین بردن جاه‌طلبی‌های جمع‌گرایانه پشت سر بگذارد اما دیدگاه مارکسیستی-لنینیستی مائو از رقابت سیاسی همچنان محور تفکرات حزب به‌شمار می‌رود. این بینش سیاست را دقیقا به‌عنوان مبارزه مرگ یا زندگی می‌داند- درحالی که آرمان لیبرال دموکراتیک چیز دیگری است. در این دیدگاه رقابت سیاسی یک مبارزه صرف برای نیل به قدرت بین گروه‌ها یا جناح‌هاست که تنها می‌تواند مقدمه‌ای برای ریشه‌کن کردن رقیب باشد. درواقع تاریخ سیاست لنینیستی در چین مملو از پاکسازی، زندان و قتل‌های سیاسی است. مائو رقابت سیاسی را این‌گونه چهارچوب‌بندی کرده است: «تو می‌میری، من زندگی می‌کنم.»

شی در جریان خشونت جناحی وحشیانه انقلاب فرهنگی بزرگ‌شده است. پدرش او زمانی که شی ۹ ساله بود از رهبری حزب کمونیست چین پاکسازی شد و به زندان افتاد؛ برای شی جین پینگ دیدگاه بازی حاصل جمع صفر تنها تصوری از رقابت سیاسی است که ساده‌لوحانه نیست. او در سال ۲۰۰۰، طی مصاحبه‌ای با «چاینا تایمز» اظهار داشت: «افرادی که تجربه کمی درباره قدرت دارند و کسانی که از آن دور بوده‌اند، تمایل دارند [آن را] مرموز و بدیع و غیر جدی بدانند اما من نگاهی فراتر از چیزهای سطحی... گل‌ها و شکوه و تشویق‌ها دارم... من بازداشتگاه‌ها [و] بی‌ثباتی روابط انسانی را می‌بینم. من سیاست را در سطح عمیق‌تری درک می‌کنم.»

نخست‌وزیر لی چیانگ، دومین رهبر عالی‌رتبه چین هم مدعی است که لفاظی‌های غربی «تعصب و نفرت ایدئولوژیک را برانگیخته است»؛ به‌طوری که چین اکنون «شاهد اقدامات مربوط به محاصره و سرکوب است.» در غرب این نوع ارجاعات به ایدئولوژی غالبا موردتوجه قرار نمی‌گیرند یا صرفا به‌عنوان تبلیغات نادیده گرفته می‌شوند اما این رویکرد اشتباه است. درواقع از منظر رهبری عالی حزب کمونیست چین، ایدئولوژی عرصه اصلی درگیری است و ایالات‌متحده عمدتا براساس ایدئولوژی غربی و لیبرال خود برای براندازی و سرنگونی رژیم چین عمل می‌کند. درک دیدگاه حزب کمونیست مشکل پکن را با چهارچوب رقابت روشن می‌کند. درحالی که بینش لیبرال دولت بایدن درباره سیاست به دولت آمریکا این امکان را می‌دهد که «رقابت مدیریت‌شده» را راهی برای بقا و حتی پیشرفت هر دوطرف ببیند و درعین‌حال از درگیری هم اجتناب کنند، رهبری حزب این مفهوم را به‌عنوان پوششی برای یک نبرد و مبارزه وجودی و واقعی می‌بینند و آن را تلاشی برای فریب چین می‌دانند، بنابراین رهبری چین اساسا نسبت به هرگونه تضمین ایالات‌متحده مبنی بر اینکه رقابت دو کشور واقعا محدود خواهد بود، تردید دارد.

خط حزبی

هیچ‌کس به‌اندازه خود شی این دیدگاه را به‌صورت ثابت و صریح بیان نکرده است. شی جین پینگ چندماه پس از روی کار آمدن در سال ۲۰۱۳ در سخنرانی خود برای رهبران ارشد حزب کمونیست اعلام کرد که در چین، «نیروهای متخاصم» غربی «تمام تلاش خود را برای تبلیغ ارزش‌های به‌اصطلاح جهانی به کار می‌گیرند.» هدف آنها این بوده است که «با ما [در] میدان جنگ قلب‌های مردم رقابت کنند... تا نظام سوسیالیستی [چین] را سرنگون سازند.» به‌علاوه او هشدار داد که مبارزه «فوق‌العاده شدید»، اما ناملموس «درحال انجام در حوزه ایدئولوژیک»، «مساله مرگ و زندگی» است. شی از این اعتقاد منصرف نشد و در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که غربی‌ها «رشد چین را تهدیدی برای ارزش‌های غربی می‌دانند»، بنابراین «آنها برای لحظه‌ای از نفوذ ایدئولوژیک خود در چین دست برنداشته‌اند.» در سال ۲۰۱۷ نیز تاکید کرد که «ایدئولوژی مربوط به قلب و روح یک ملت است» و در جولای امسال به رهبران سازمان همکاری شانگهای هشدار داد که همه آنها باید آماده مقاومت دربرابر «انقلاب‌های رنگی» تحریک‌شده توسط غرب باشند.

تحلیلگران و سیاستگذاران غربی اغلب این تاکید فزاینده بر ایدئولوژی را به ادراک شخصی شی از قدرت نسبت می‌دهند اما برخی از آگاه‌ترین ناظران سیاسی در داخل چین معتقد هستند که این هو جین تائو، سلف شی، بود که تمرکز شدید این کشور را بر مبارزات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی آغاز کرد. پس از مرگ مائو، حزب کمونیست برای تسهیل رشد اقتصادی و ایجاد روابط سودآور با غرب، سعی در کاهش لفاظی‌های ایدئولوژیک کرد، اما اعتقادات ایدئولوژیک ریشه‌دار آن خفته باقی ماندند و آماده بودند تا خود را دوباره اثبات کنند، به‌ویژه در زمان‌های آشفتگی یا درخطر. بنابراین، هنگامی که در دسامبر ۲۰۰۸، بیش از ۳۰۰ وکیل، روشنفکر و فعال برجسته چینی از منشور ۰۸ رونمایی کردند – منشوری که از لیبرالیزیسیون همه‌جانبه رژیم حمایت می‌کرد - رهبری حزب کمونیست آن را موید چالش مستقیم ایجاد شده توسط نفوذ غرب دید. منشور ۰۸ به عاملی تعیین‌کننده برای متقاعد کردن رهبری حزب مبدل شد و تصمیم گرفت به‌سرعت مسیر خود را تغییر دهد. یک بیانیه افشاشده داخلی حزبی که در سال ۲۰۱۳ منتشر شده و «سند شماره ۹» نام دارد، منعکس‌کننده اعتقاد مجدد حزب کمونیست به این گزاره بود که «نیروهای ضدچینی غربی» که از سوی ایدئولوژی لیبرال هدایت می‌شدند، برای سرنگونی دولت چین و تبدیل آن به یک دموکراسی، روی «غربی‌سازی، تفرق و انقلاب‌های رنگی» متمرکز شده‌اند.

این باور فزاینده به وجود یک مبارزه ایدئولوژیک شدید ادامه‌دار، به بی‌اعتمادی حزب کمونیست چین نسبت به مقاصد واشنگتن دامن زده است. ایدئولوژی به مشروعیت رژیم‌ها کمک می‌کند و مشروعیت یک رژیم هم احتمالا تعیین‌کننده بقای آن است. این باور در کنار دیدگاه حزب کمونیست نسبت به سیاست، سبب شده است تا رقابت ایدئولوژیک بین رژیم‌ها در واقع به «مساله مرگ و زندگی» نهایی تبدیل شود که شی نیز آن را توصیف کرده است. در واقع، شی و دیگر رهبران ارشد حزب کمونیست می‌دانند که شکست سیاسی، ازجمله براثر تغییر رژیم، می‌تواند جان آنها را به خطر بیندازد.

برای بسیاری از آمریکایی‌ها که آگاه از ضعف‌های دموکراسی خود هستند، این ایده که «نیروهای ضدچینی غربی» برای سرنگونی حزب کمونیست چین در جوش‌وخروش هستند، ممکن است غیرمنطقی و حتی پارانوئیک به نظر برسد، اما در نظر گرفتن ماهیت و تاریخچه تام و تمام لیبرالیسم غربی به‌عنوان یک ایدئولوژی می‌تواند ما را در داشتن ادراکی بهتر یاری کند. بسیاری از غربی‌ها اکنون آنقدر نسبت به لیبرالیسم، خو گرفته‌اند که اصلا آن را به‌عنوان یک ایدئولوژی درک نمی‌کنند و مانند ماهی در آب شنا می‌کنند. اما سند شماره ۹ همچنین لیبرالیسم را به‌عنوان یک ایمان تبشیری معرفی می‌کند که مدعی است ارزش‌های آن «هنجار غالب برای تمام تمدن بشری است» و باید به‌طور جهانی «برای همه بشریت» اعمال شود. اقدامات ایالات‌متحده در خارج از مرزهای خود هم نشانگر صحت این فرضیه در عمل – و نه‌فقط روی کاغذ- است.

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات‌متحده شروع به پذیرش گونه حداکثری لیبرالیسم کرد که وجود جوامع غیرلیبرال را در هرکجا به‌عنوان تهدیدی برای آزادی در همه‌جا تلقی می‌کرد. این مفهوم که ریشه در جهان‌شمولی هگلی دارد، دیدگاهی به پیشرفت تاریخی دارد که لیبرالیسم را نقطه پایان طبیعی تاریخ و سرنوشت محتوم حکومت بشری می‌داند. این خوانش نمی‌تواند هیچ جامعه غیرلیبرالی را برای همیشه تحمل کند؛ زیرا وجود آنها ادعای جهانی بودن لیبرالیسم را تضعیف می‌کند. این اعتقاد که پس از پایان جنگ سرد تسریع شد، به تلاش‌های جاه‌طلبانه ایالات‌متحده برای نظم‌دادن به جوامع دیگر در راستای خطوط لیبرال، مانند عراق و لیبی کمک کرد. ازنظر حزب کمونیست چین، این دقیقا همان انگیزه‌ای است که اکنون خصومت ایالات‌متحده را با چین به‌پیش می‌برد. سیاستمداران ایالات‌متحده هم در دهه‌های اخیر، با ادبیات خود به‌اندازه کافی بر آتش این تصور دمیده‌اند. در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که ایالات‌متحده باید «مردم چین را درگیر کند و قدرت دهد» تا تغییر رژیم را اعمال کنند و ادعا کرد که «اگر جهان آزاد چین کمونیستی را تغییر ندهد، چین کمونیست ما را تغییر خواهد داد.» بایدن علنا از هرگونه درخواست جنگ‌طلبانه برای تغییر رژیم در چین اجتناب کرده است، اما او هم ترویج ارزش‌های لیبرال را به اولویت اصلی سیاست خارجی خود در سراسر جهان تبدیل کرده است و مکررا از «نبرد جهانی بین دموکراسی و خودکامگی» صحبت می‌کند. این فشار امپریالیستی دقیقا زمانی اعمال می‌شود که رهبران چین به‌طور فزاینده‌ای در خانه احساس ناامنی می‌کنند.

حزب کمونیست چین واقعا نگران مشروعیت خود است. این کشور با کندی اقتصاد، بیکاری نگران‌کننده بالای جوانان و همچنین تضعیف این قرارداد نانوشته بین مردم و حکومت مواجه است که فقدان آزادسازی سیاسی با افزایش مداوم رونق اقتصادی جبران می‌گردد. شی و دیگر رهبران ارشد حزب دقیقا به دلیل جهان‌بینی ایدئولوژیک‌شان می‌دانند که هرگونه شکست جدی اقتصادی می‌تواند درها را بیشتر به روی ایده‌های لیبرال باز کند و تبدیل به تهدیدی وجودی برای حکومت آنها شود. شی امیدوار است که مشکل مشروعیت را با تلاش برای احیای اقتصاد چین و ترویج ایده «شکوفایی مشترک» برای رفع نابرابری حل کند. او همچنین سعی دارد با ترویج ناسیونالیسم چینی و تمرکز بر مسائل امنیت ملی و «اعتماد فرهنگی» چین را تقویت کند. مهم‌تر از همه، شی در تلاش است تا با تاکید بر تداوم بین گذشته پیروزمندانه و پیش از مارکسیستی چین و عصر کنونی تحت رهبری او، یک قرارداد اجتماعی جدید ایجاد کند.

هنگامی که شی از ایجاد یک «جهان چندقطبی» صحبت می‌کند، منظور او فقط تبدیل چین به یک قدرت نظامی و اقتصادی برابر با ایالات‌متحده نیست. او به دنبال اظهار این نکته است که چین تمدن بزرگی است و خواهد بود و بدون انطباق با لیبرالیسم غربی، حق دارد طبق شرایط خود وجود داشته باشد. او امیدوار است که با طرح تمدن چین به‌عنوان ضد نمونه‌ای برای لیبرالیسم، مشروعیت حزب کمونیست را در داخل و خارج از کشور تقویت کند. این پیامی است که او مثلا در سخنرانی اخیر خود که در آن از امن کردن جهان برای «تنوع تمدن‌ها» صحبت کرد، ارائه نمود. ازاین‌رو، از دیدگاه پکن، درخواست از واشنگتن برای پذیرش همزیستی با چین، امری حیاتی و نه پیش‌پاافتاده، است. برای حزب کمونیست چین، «رقابت» به معنای نابودی یک طرف یا طرف دیگر است و حقیقت آن است که حزب چندان مطمئن نیست که کدام طرف پیروز باشد. نه چین و نه ایالات‌متحده نمی‌توانند به‌راحتی پیشنهاد طرف مقابل را برای چگونگی درک و برخورد با روابط دو طرف بپذیرند. این امر باعث می‌شود تا دیوار سختی در برابر آنچه گفت‌وگوهای دیپلماتیک و تلاش‌های ثبات‌بخش می‌تواند به آن نائل شوند، ایجاد گردد. ازنظر عملی، گسست ایدئولوژیک، پکن را در پذیرش هرگونه «گاردریل» متقابلی که برای جلوگیری از تشدید تنش در یک محیط رقابتی لازم است، مردد می‌سازد. به‌عنوان مثال، پکن اخیرا از پذیرش درخواست واشنگتن برای گفت‌وگو درباره ثبات راهبردی هسته‌ای و کنترل تسلیحات خودداری کرده است. به دلیل مفروضات ایدئولوژیک، پکن این‌گونه فرض می‌کند که این اقدامات تله‌هایی هستند که برای نابودی این کشور تعبیه شده‌اند و تلاش‌هایی واقعی برای حفظ ثبات نیستند. حتی همکاری بالقوه در زمینه‌های موردعلاقه مشترک مانند تغییرات آب‌وهوایی، امنیت غذایی جهانی و ثبات اقتصاد کلان بین‌المللی نیز معمولا توسط چین به‌عنوان وسیله‌ای برای تحمیل اراده یک طرف بر دیگری تلقی می‌شود.

درنهایت، آنچه چین خواستار آن است، پذیرش صریح یک هدف نهایی از سوی ایالات‌متحده برای این رابطه است: همزیستی مسالمت‌آمیز یا چیزی مشابه که در آن حق حزب کمونیست چین برای حکمرانی برای همیشه تثبیت شود. این امر به‌اندازه کافی آسان به‌نظر می‌رسد. واشنگتن مدعی است که مشروعیت حزب کمونیست چین را می‌پذیرد و برای سرنگونی رژیم چین تلاش نمی‌کند، اما پکن به این اظهارات واشنگتن اعتماد ندارد؛ زیرا معتقد است که ایدئولوژی لیبرال آمریکایی هرگز نمی‌تواند واقعا این سناریو را بپذیرد. تغییر این باور احتمالا مستلزم آن است که ایالات‌متحده به‌طور اساسی رویکرد خود نسبت به درک جهان را تغییر دهد، هرگونه ادعای جهان‌شمولی لیبرال و برتری فرهنگی را کنار بگذارد و صراحتا یک جهان‌بینی و یک سیاست خارجی با تمرکز بیشتر بر حاکمیت ملی اتخاذ کند. به‌عبارت‌دیگر، جهان‌بینی‌ای شبیه چین اتخاذ کند. «همزیستی» برای ایالات‌متحده همچنین به معنای توقف همه فشارهای رقابتی درباره موضوعاتی مانند فناوری، تجارت و حقوق بشر است. این چیزی نیست که ایالات‌متحده مایل به انجام آن باشد. گرایش ایدئولوژیک آمریکا به لیبرالیسم بین‌المللی صلیبی در هر دو طرف پیوستار حزبی سیاسی داخلی این کشور بسیار عمیق است، درست همان‌طور که غریزه مارکسیستی-لنینیستی در حزب کمونیست همین وضعیت را دارد.

بنابراین این دو کشور در یک بن‌بست جدی قرار دارند: یک معمای امنیتی که ریشه در ایدئولوژی دارد. به نظر می‌رسد واشنگتن هنوز این بن‌بست را به‌طور کامل درک نکرده است. محتمل است که ایالات‌متحده و چین در آینده نزدیک همچنان در یک رقابت پرتنش و ناراحت‌کننده باقی بمانند و هر دو تمایلی به جنگ هم نداشته باشند. این واقعیت که بعید است این مناقشه ایدئولوژیک حل‌وفصل شود، فقط تقویت این رابطه شکننده را ضروری می‌سازد. تقویت این رابطه مستلزم تلاش‌های مداوم، هماهنگ و گسترده از هر دو طرف است. واقعا هیچ گزینه دیگری باقی نمانده است؛ حداقل تا زمانی که ایالات‌متحده، چین یا هر دو این کشورها مایل باشند جهان‌بینی خود را [با شرایط موجود] تنظیم کنند و راهی برای اشتراک جهان بیابند.

فرهیختگان
صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN
WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب علی صباغ فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۳۹ صادره از میمه در مقطع کارشناسی رشته مهندسی مکانیک (حرارت و سیالات) از واحد دانشگاهی خمینی‌شهر با شماره ۱۱۰۵۱۹۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر به نشانی اصفهان – خمینی‌شهر – منظریه – بلوار دانشجو – صندوق پستی ۱۱۹-۸۴۱۷۵ کد پستی ۸۴۱۸۱۴۸۴۹۹ – تلفن ۱۴-۳۳۶۶۰۰۱۱ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب رضا روشنی فرزند علی به شماره شناسنامه ۳۵۰۱ صادره از ماهشهر در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاه آزاد الیگودرز با شماره ۱۴۸۷۲۳۴۰۰۹۷۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز به نشانی لرستان – الیگودرز – میدان دانشگاه – دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز صندوقی پستی ۱۵۹ و کد پستی ۶۸۶۱۸۸۵۹۱۴ ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی معصومه شیرالی فرزند علی‌محمد به شماره شناسنامه ۱۰۸۴۵ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته تحصیلی تربیت معلم آموزش‌وپرورش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۵۹۴۵۹ مورخ ۹۵/۱۲/۱۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت: معصومه شجاع فرزند غلام‌حسن دارای شناسنامه به شماره: ۰۵۹۰۳۱۳۶۴۹ صادره ساوه رشته: روانشناسی عمومی صادره از دانشگاه آزاداسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

برگ سبز خودرو سواری سیستم: پژو تیپ: PARS XU7P رنگ: مشکی مدل: ۱۴۰۱ به شماره انتظامی ایران ۶۳ / ۱۶۸ د ۸۲ و شماره شاسی: NAANA15E7NK196732 و شماره موتور: 125K0109683 به مالکیت خانم راضیه حسینی به کد ملی ۰۰۷۹۰۲۶۰۴۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت دوم

وزارت راه و شهرسازی
شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران
(سهامی خاص)

آگهی دعوت به ارزیابی کیفی (فراخوان عمومی نخست)

مناقصه شماره ۱۰-۳۱-۱۴۰۱ (مناقصه عمومی ـ یک‌مرحله‌ای)

شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد بنابر آیین‌نامه اجرایی بند (ج) ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی پیمانکاران واجد شرایط جهت دعوت به مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir به شرح زیر اقدام نماید. مناقصه‌گران موظفند برای شرکت در مناقصه نسبت به ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند. لازم به ذکراست کلیه مراحل برگزاری مناقصه از فراخوان ارزیابی کیفی تا انتخاب برنده از طریق سایت مزبور انجام می‌گردد.

۱) **موضوع مناقصه:** «عملیات تعویض ۸۸۹۰ شاخه ریل و جوشکاری ۸۸۹۰ بند درز ریل طویل به روش سر به سر جرقه‌ای با استفاده از ماشین ریلی و ترمیت»

۲) **مبلغ برآورد:** (۷۳۹,۸۶۰,۶۷۴,۶۰۰) ریال براساس فهرست بهای سال ۱۴۰۲

۳) **مدت و محل انجام قرارداد:** مدت قرارداد (۱۳ ماه) و محل انجام طبق اسناد مناقصه می‌باشد.

۴) **مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی:** حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

۵) **مهلت بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی:** حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ ظهر روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

۶) **فراخوان ارزیابی کیفی فوق:** از طریق پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات http:/iets.mporg.ir اطلاع‌رسانی می‌گردد.

۷) **مبلغ تضمین:** شرکت در فرآیند ارجاع کار (۲۳,۴۹۷,۲۱۳,۴۹۲) ریال می‌باشد و ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار می‌بایست براساس آیین‌نامه تضمین دولتی دارای سه/۳ ماه اعتبار بوده و برای سه/۳ ماه نیز قابل تمدید باشد.

۸) **گواهینامه‌های مورد نیاز در مناقصه:** گواهینامه معتبر صلاحیت پیمانکاری با پایه چهار/۴ در رشته راه و ترابری از سازمان برنامه‌وبودجه کشور و گواهینامه معتبر تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاران از وزارت تعاون ،کار و رفاه اجتماعی

۹) **مناقصه‌گران تایید صلاحیت شده در ارزیابی کیفی،** درصورتی‌که قصد ارائه پیشنهاد قیمت را دارند، باید درصورت نیاز به تامین کالا و تجهیزات جهت انجام موضوع مناقصه قیمت متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه نمایند.

شایان ذکر است دریافت و بارگذاری اسناد صرفا می‌بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) صورت پذیرد. درصورت بروز هر گونه ابهام با شماره ۱۴۵۶ (پشتیبانی سامانه ستاد) تماس حاصل نمایند.

اداره کل تدارکات و پشتیبانی راه‌آهن ج.ا.ا
شماره شناسه۱۵۶۰۳۹۶
شماره م.الف۲۲۷۳